اجزاء صوم مندوب از فرض در روایت زهری

روایت هشتم؛

> **وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن سليمان ابن داود، عن سفيان بن عيينة، عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه. ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن يعقوب وكذا كل ما قبله سوى حديث معاوية بن وهب، محمد بن علي بن الحسين باسناده عن الزهري مثله[1]**

قبلاً سند این روایت را مختصرا بررسی کردیم. در کافی شریف هست. «فی حدیث طویل»؛ کل این حدیث در کافی شریف آمده است. جلد چهارم از چاپ اسلامیه، صفحه هشتاد و پنجم؛ عنوان باب این است: «باب وجوه الصوم». روایت مفصلی است که خیلی هم جالب است. زهری می‌گوید محضر امام مشرف شدم، گفتم که از مسجد می‌آیم. «قَالَ فِيمَ كُنْتُمْ»؛ خود همین سؤال حضرت اشاره دارد که می‌خواهند بگویند از چه چیزی بحث می‌کنید؟! اهلش را رها کردید! حضرت فرمودند در مسجد از چه چیزی بحث می‌کردید؟ ببین که من بحث طوالنی شما را به کجا می‌رسانم. تازه به گمانم این به اندازه فهم او بود. **«قُلْتُ تَذَاكَرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَاجْتَمَعَ رَأْيُ وَرَأْيُ أَصْحَابِي عَلَى أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ»**؛ ما به غیر از ماه مبارک روزه واجب نداریم.

«فَقَالَ يَا زُهَيْرِيُّ لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ»؛ این‌طور نیست. «الصَّوْمُ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهاً»؛ ببینید ابتدا به ساکن او می‌گوید ما بحث کردیم و به این رسیدیم. اما حضرت می‌فرمایند چهل جور صوم داریم. بعد شروع می‌کنند توضیح می‌دهند. بخشی از آن همین است که ما امروز با آن کار داریم. **«فَعَشَرَةٌ مِنْهَا وَاجِبَةٌ وَهِيَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَشَرَةٌ مِنْهَا صِيَامُ الْكَفَّارَةِ وَعَشَرَةٌ مِنْهَا صِيَامُ النَّذْرِ وَالْعَهْدِ وَعَشَرَةٌ مِنْهَا صِيَامُ الْكَفَّارَةِ بِالْخَيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَصَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ وَصَوْمٌ وَاجِبٌ وَصَوْمُ الْإِبَاحَةِ وَصَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ»**؛ که با هم چهل مورد می‌شود.

«قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَسَّرْهُنَّ لِي»؛ برای من توضیح بدهید. **«قَالَ أَمَّا الْوَاجِبَةُ»؛** شروع به توضیح دادن کردند و به اینجا رسیدند: حضرت فرمودند: **«وَ أَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ»؛** یعنی روز اول اشک را در سیاق روزهای حرام آوردند. این نکته قشنگی است. همانی است که جلوتر عرض کردم که وقتی شارع روزه شهر مبارک را واجب کرده، اول میخی که در مقام امتثال میکوبد چیست؟ اینکه شما روز اول اشک را جزء ماه مبارک ننویسید. شارع مطمئن شود که قرار نیست که مخلوط کنید. لذا میبینید همان نکتهی اصلیای است که عرض کردم، است. یعنی این اول گام میخ کوبیدن شارع است، حضرت هم در اینجا دقیقاً در بیانشان مراعات کردند. یعنی وقتی خواستند که جاگذاری کنند، صوم روز اول اشک را در صوم حرام جاگذاری کردند. در تقسیمبندی به نهی و حرمت اصالت دادند. با بیاناتی که عرض کردیم، همینطور هم هست. شارع میخواهد میقات مردم، تعظیم شعائر، استیعاب امر شریعت، سهولت امر شریعت به هم نخورد. او شهر مبارک را واجب کرده اما میخواهد با این شرائط امتثال شود. وقتی میخواهد امتثال شهر مبارک با این شرائط باشد و با مراعات این حِکَم و دفع مفاسد باشد، لذا میخ آن را میکوبد که روز اول اشک حرام است. از این حیث خیلی جالب است. بهخصوص اینکه حضرت در قرن اول اینها را میفرمودند. کاملاً باید جابیاندازند. مثلاً ممکن است که این بیان در زمان امام صادق علیهالسلام خیلی پررنگ نباشد. یعنی حضرت میخ آن را به این صورت بکوبند. اما در آن زمان پررنگ بود. لذا حضرت این را کاملاً ذیل صومهای حرام آوردهاند.

شاگرد: احتمال ندارد که این از باب مدارات با سائل سنی باشد؟ یعنی چون باور تو این است، این جزء حرامها است، ولو حکم اصلی آن چیز دیگری است.

استاد: مانعی ندارد. این احتمال هم مطرح است. البته فرمایش شما با قرائن خارجیه خوب است. با قرینه خارجیه میدانیم که زند اهلسنت منهی بودنش و ای پرهیز از آن، پررنگ است.

> 21:10

شاگرد: با تعلیل روایت میسازد؟

استاد: ایشان میگویند در تقسیمبندی آن را جزء حرام گذاشتند، برای اینکه ذهن او مشوش نشود و او با مبنای خودش این تقسیمبندی را صورت بدهد. بعد توضیح دادند و نهی را برگرداندند.

شاگرد۲: البته در آن جایی که حضرت فرمودند چهل نوع روزه هست، ذهن او مشوش شد.

استاد: من به ذهنم آمد وقتی حضرت فرمودند چهل نوع است، فهم او خیلی ضعیف شد. ولی علیای حال فرمایش ایشان احتمالی است که صفر نیست. یعنی احتمالی است که قابل طرح است. آن چه که من عرض کردم نیازی به قرینه منفصله ندارد. داخل خود تقسیمبندی حضرت هست؛ یعنی روی مصالحی که توضیح دادم اگر درست باشد، حضرت چه کار کردند؟ عنوانی که ابتدا به ساکن به صوم روم اشک دادند، عنوان حرام است. حالا به فرمایش ایشان موافقت عامه باشد یا نه، بهخاطر حکمت کوبیدن میخ حرمت است که مبادا صوم روم اشک سبب شود که میقاتیت، نظم و سهولت به هم بخورد.

شاگرد: به فرمایش شما اگر «من شهر رمضان» بگیرد که قدر متقینش است. بعد گفتهاید از کجا که از شعبان بگیریم، درجایی که احتیاط روزه بگیرد، چه میشود؟

استاد: به گمانم شاملش نیست. حالا چون میخواهم ینفرد را بگویم، عرض میکنم.

«و اما صوم الحرام فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَ صَوْمُ يَوْمِ الشَّكِّ؛ کسی که وسائل را میخواند هیچ مشکلی ندارد که این چند خط را اضافه کنند، اما همین خط افتاده است. یعنی میگویند «فی حدیث طویل فصوم یوم الشک»، خب صوم یوم الشک کجا است؟ علیای حال جزء صوم حرام قرار داده شده. حالا قبلاً از روایت بحث کردیم و آن را خواندیم. من دیروز گفتم در روایت سماعه زیر کلمه «هلک» خط بکشید. بهعنوان نقطه شروع در استظهار. در این روایت شریف کلمهای که به ذهن من میآید که برای استظهار و نقطه شروع زیر آن خط بکشید، کلمه «بعینه» است.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 14:25:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 14:27:49 توسط ... .